



بسم الله الرحمن الرحيم

شکی نیست که در جمع گرم و صمیمی شما سینه های پُر از حرف کم نیست. خیلی ها حرفهایی دارند که لااقل به نظر خودشان گفتنی و شنیدنی است و در جلسه ی امروز ما هم جای آن حرفها خالی است. افسوس که وقت نیست؛ والا اگر وقت بود، من با همه ی پیروی و بی حوصلگی، حوصله می کردم و باز هم می شنیدم؛ منتها دیگر مجال نیست.

قدری هم جوانها عادت کنند به فروخوردن سخن خود؛ این هم يك تمرین است. در چالش های عظیم زندگی، خیلی اوقات هست که انسان حرفی دارد و دلش می خواهد آن را بگوید؛ اما به هر دلیلی حرف را فرو می خورد؛ این در مواقعی يك مصلحت بزرگ است؛ به این هم عادت کنید، بد نیست. در جای خود ان شاءالله مجال هایی خواهد بود و خواهید گفت آنچه را که فکر می کنید باید گفت.

با صرف نظر از پیشنهادهایی که جمع شما جوانها این جا بیان کردید - که بسیاری از آن پیشنهادها قابل توجه است و آنها را در دفتر ما جمع آوری می کنند تا ان شاءالله ببینیم چگونه باید با آنها رفتار کرد - به نظر من آنچه برای مجموعه ی دانشجوی کشور با توجه به خصوصیات و ویژگی های دانشجویی مهم است و باید هم مهم باشد، این است که در يك نگاه کلی، کشور ما ایران در کجای تاریخ و کجای جغرافیا قرار گرفته. می خواهیم فرض را بر این بگذاریم که دانشجو در اعماق دل خود و در بلندپروازی های ذهن جوانانه ی خود، از مسائل شخصی و شغل و امثال اینها عبور کرده. نه این که شغل و زندگی و ازدواج و مسکن را نمی خواهد - اینها که ضروریات زندگی است - بلکه به این معنا که در این ایستگاه های موقت و کوچک، منحصر و متوقف نمانده؛ ذهن جوان دانشجو از این جاها پرواز می کند و آرمان ها را جستجو می کند. در نگاه آرمانی - که باید باشد و اگر نباشد، جوانی و زندگی نیست - جایگاه ما از لحاظ دید تاریخی و جغرافیایی و جغرافیای سیاسی کجاست؟ ما به عنوان ایران جمهوری اسلامی، حرفمان در دنیا چیست؟

دوم این که اگر بخواهیم این سخن به کرسی بنشیند، باید چه کار کنیم؟ این، حرف اصلی ما با دانشجویهاست و به نظر من فکر اصلی است که جماعت دانشجو باید آن را دنبال کند.

اما جواب سؤال اول که جای ما کجاست. در يك جمله ی کوتاه، جای ما به چالش کشیدن زشتی ها و سختی ها و دردمندی هایی است که از سلطه ی زر و زور و حاکمیت فساد مالی و قدرت، در دنیا و در سطح بین المللی به وجود آمده؛ این را دست کم نگیرید. پول و قدرت پولی امروز توانسته ظریف ترین، لطیف ترین و شیواترین حقایق عالم ماده را هم در خدمت بگیرد؛ همین هنری که جوان عزیزمان آمدند این جا گفتند. امروز برجسته ترین و تواناترین مجموعه ی سینمایی دنیا در «هالیوود» است. شما ببینید هالیوود در خدمت چیست، در خدمت کیست، در خدمت کدام فکر و کدام جهت و کدام خواب برای بشریت بیچاره ی رو به رشد است. من که نه در سینما تخصص دارم، نه هالیوود را درست می شناسم، این را نمی گویم؛ این نقل سخن کسانی است که کارشان این است، فکرشان این است و نقاد این صحنه ها و میدان ها هستند؛ اینها می گویند امروز هنر سینمایی - که من هالیوود را به عنوان برجسته ترین، مثال زدیم؛ والا بقیه ی مجموعه های سینمایی دنیا هم همین طورند - در خدمت اشاعه ی فحشا، اشاعه ی پوچی، اشاعه ی بی هویتی انسان، در خدمت خشونت، در خدمت مشغول کردن بدنه ی ملتها به یکدیگر است تا طبقه ی متعالی و بالا بتوانند بی دغدغه زندگی کنند. سینما که يك هنر بسیار پیشرفته و مدرن است، این گونه است؛ شعر هم همین طور است؛ قصه هم همین طور است؛ نقاشی هم همین طور است؛ انواع شعبه های هنر همین گونه است.

قدرت های اقتصادی از دین هم استفاده می کنند؛ از کلیسا هم استفاده می کنند. یکی دو سال پیش، من کتابی از



يك نویسنده ی امریکایی خواندم که در این جا ترجمه و چاپ و منتشر شده است. او در این کتاب استفاده ی قدرتها را از مجموعه ی دستگاه و تشکیلات کلیسا تشریح می کند. من کلیسا را که اسم می آورم، نه این که می خواهم بگویم مسجد آن طوری نیست؛ نخیر، قدرت و پول و زر و زور از مسجد و معنویات هم استفاده می کند. سلطه ی پول بر دنیا خیلی چیز عجیبی است. نتیجه ی آن، فقر عظیم جهانی، گرسنگی چند میلیارد انسان، تربیت غلط و ضدمعنوی نسل های روبه رشد بشر، جنگهای تحمیل شده ی بر ملتها و بازیچه قرار گرفتن سازمان های بین المللی است. آژانس بین المللی انرژی هسته یی به عنوان مثال مطرح شده و همه دارند می گویند، که يك نمونه اش است. این نهاد، وابسته به سازمان ملل است و برای نظارت بر عدم اشاعه ی سلاح های هسته یی به وجود آمده. شما ببینید برخوردش با کشورها چگونه است؛ تبعیض اش چگونه است؛ دخالت عنصر سیاسی در آن چگونه است؛ به خاطر این که زر و زور در آن تسلط دارند. اینها زشتی ها و چالش های بزرگ دنیای امروز است. کی می خواهد با اینها مواجه شود؟ يك انسان، يك حزب و يك مجموعه نمی تواند. آن چیزی که می تواند در مقابل این امواج کشنده و کوبنده بایستد، يك هویت عظیم جمعی بین المللی است. امروز این هویت عظیم جمعی و بین المللی در حال شکل گرفتن است؛ محورش هم نظام جمهوری اسلامی است. روی اینها تأمل کنید؛ اینها چیزهای قابل عبور و آسان نیست.

علت شلاق هایی هم که بر پیکر تأثرناپذیر جمهوری اسلامی پی در پی وارد می کنند، همین است؛ چون ما ایستاده ایم؛ ایستادن امیدوارانه؛ نه ایستادن نومیدانه. بعضی ها ایستاده اند و می گویند ما تا آخرین قطره ی خونمان را هم خواهیم داد. البته ما اگر پایش بیفتد، تا آخرین قطره ی خون را می دهیم؛ اما می دانیم به آخرین قطره ی خون نمی رسد.

ما پیش برده ایم و توانسته ایم در جهت هایی که انقلاب برای ما ترسیم کرده، به شکل محسوس پیشروی کنیم. این شوخی است که مراکز قدرت سیاسی دنیا تصریح کنند که ایران به يك قدرت منطقه یی تبدیل شده و اگر فلان کار و فلان کار را نکنیم، به يك قدرت جهانی تبدیل خواهد شد؟ این چیز کمی است؟ شما خیال می کنید در دنیای فوق مدرن پیشرفته ی علمی و این همه ثروت متراکم، این چیز کمی است که يك مجموعه ی سیاسی به نام دین و معنویت و عدالت و با پشتیبانی مردم به وجود بیاید و چنین جایگاه و موقعیتی پیدا کند؟ امروز این اتفاق افتاده است. خیمه یی که این جا سرپاست، ریسمانها و میخ های عمیقی که این خیمه در سرزمین اسلامی دارد، در کشورهای دیگر کوبیده شده است. ما در ملتهای گوناگون عمق استراتژیک داریم. شماها ان شاءالله وقتی در عرصه های وسیع تر وارد شوید - به کشورها مسافرت کنید، در میان ملتها حضور پیدا کنید - این را بیشتر احساس می کنید. الان در کشورهای دنیا، جمهوری اسلامی در دل ملتهای مسلمان جا دارد. ما به چیزهایی عادت کرده ایم. رؤسای جمهور ایران پا می شوند به کشورهای دیگر می روند. استقبال مردمی از این رؤسای جمهور برای هیچ رئیس جمهوری از هیچ کشوری در هیچ نقطه یی غیر از کشور خودش متصور نیست؛ این يك واقعیت است. بنده هم که زمان ریاست جمهوری به کشورهای بیگانه سفر می کردم، همین طور بود. رئیس جمهور بعد از من، و رئیس جمهور بعد از او هم به کشورهای مختلف رفتند و ملتها نسبت به آنها اظهار عشق و علاقه کردند. این، هنر این رئیس جمهور نیست؛ هنر این حرکت عظیم است؛ هنر این موج آفرینی است؛ هنر هویت شماس است؛ هویت نظام جمهوری اسلامی؛ این شأن ماست. ما می توانیم پایه های غلطی را که قدرت اقتصادی متمرکز متراکم دستگاه های شیطانی برای خودشان به وجود آورده اند، به چالش بکشیم. در دنیا جنگ راه می اندازند، قحطی به وجود می آورند و بحران ایجاد می کنند. يك سرمایه دار ناگهان در چندین کشور بحران مالی به وجود می آورد. یادتان هست چهار، پنج سال قبل يك سرمایه دار یهودی و امریکایی ساکن اروپا با اسم مشخص و شناخته شده توانست مالزی و اندونزی و فیلیپین و تایلند را ورشکست کند؟ قدرت پول را ببینید. بنابراین قدرتهای اقتصادی می توانند بحران ایجاد کنند. بحران آفرینی، جنگ آفرینی و ایجاد نظام های خشن و قسی القلب - مثل اسرائیل - کار اینهاست. باید اینها را به چالش کشید. کی می تواند؟ يك هویت جمعی بین المللی زنده ی خسته نشو، متکی به ایمان قلبی و دینی؛ این است که نمی گذارد انسان خسته شود. هر چیز دیگری قابل خسته شدن است، جز ایمان با طراوت دینی. این می تواند آن قدرتها را به



چالش بکشد و تعدیل کند و در نهایت آنها را از بین ببرد. ان شاءالله در حکومت عدل مهدوی (سلام الله علیه) و (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این کارها انجام می گیرد؛ منتها ما هم می توانیم مقدماتش را انجام دهیم؛ اگر همت و اراده و ایستادگی و تدبیر داشته باشیم. این کارها، هم ایستادگی و شجاعت و قدرت می خواهد؛ هم تدبیر و عقل می خواهد. اینها کارهایی که دم دستی باشد و بشود همین طوری تماشاش کرد، نیست؛ اما شدنی است و تا الان هم شده است. نظام جمهوری اسلامی که امروز برایش مسأله ی هسته یی حل شده است - و البته این فقط یک مثال است؛ بارها من این را گفته ام - همان نظامی است که روز اولی که به وجود آمد، مستکبران عالم نه تصور می کردند و نه اگر تصور می کردند، یک موی تنشان راضی بود که این کشور بتواند در زمینه های علمی پیشرفت کند. یکی از شما جوانها الان بیان کردند که در اوایل انقلاب ما در دانشگاه ها مشکل استاد داشتیم، مشکل پزشکی داشتیم، مشکل متخصص داشتیم؛ اما امروز کشور از لحاظ علمی پیشرفته است. البته ما نباید همت خود را کم کنیم. مقداری که پیش آمده، نسبت به آنچه باید پیش می آمد، و نسبت به توانایی ما خیلی کم است. چند روز پیش، این جا جلسه ی اساتید بود. چندین نفر از اساتید بخش ها و رشته های مختلف همان چیزی را تأکید می کردند که همیشه اعتقاد راسخ قلبی من هم بوده که استعداد و ظرفیت و توانایی نظام جمهوری اسلامی بیش از اینهاست. ما می توانیم؛ جایگاه ما این است. امروز اگر می بینید علیه ما تلاش می کنند، کار می کنند، توطئه می کنند و حمله می کنند، به خاطر این جایگاه است. این، پاسخ سؤال اول.

سؤال دوم؛ چگونه می توانیم در این چالش موفق شویم؟ این چیزی است که به شما جوانها خیلی ارتباط پیدا می کند. قدرتهایی که در بخش های مختلف باید به وجود بیاوریم، در درجه ی اول قدرت علمی است. دانشگاه ها در این زمینه مسؤولیت دارند. یکی از آقایان این جا گفتند که بیاییم پیمان خلع سلاح را به جای پیمان عدم اشاعه ی سلاح های هسته یی - که انپستی است - در دنیا مطرح کنیم. این ایده ی بسیار خوب و جالبی است، گفتنش هم خیلی آسان است؛ اما یک پیمان بین المللی با گفتن میان چند نفر که تشکیل نمی شود؛ یک نیروی پشتیبانی می خواهد تا این را به صورت یک پیمان بین المللی در بیاورد. امریکا و شوروی سابق - دو قدرت درجه ی یک آن روز - نشستند راجع به خلع سلاح با همدیگر توافق کردند؛ اما چون اراده ی عمل نبود، نشد. کی می تواند پیمانی را به عنوان پیمان خلع سلاح مطرح کند، در وسط بگذارد و کشورهای دنیا را موظف کند به این پیمان پایبند باشند؟ - البته نه موظف حتماً به زور سلاح، بلکه به زور سیاست، به زور گفتمان مسلط فرهنگی، به زور تغلیب هویت و شخصیت ملی - یک کشور قدرتمند.

قدرت پیدا کنید. اگر ایران اسلامی بتواند در زمینه ی علمی سخن خودش را در حد سخنان اول دنیا در بیاورد، کار شدنی است؛ چون علم، ثروت هم ایجاد می کند، قدرت نظامی هم ایجاد می کند، اعتماد به نفس هم ایجاد می کند. من بارها گفته ام، باز هم می گویم و باز هم بارها تأکید خواهم کرد که پایه و زیربنای اقتدار آینده ی شما ملت عزیز در قدرت علمی است.

دانشگاه ها را باید جدی گرفت؛ هم شما دانشجویها، هم اساتید. بدانید نقشه هایی وجود دارد برای این که دانشگاه های ما را از کار ببندازند. شما غصه می خورید که بودجه ی مراکز تحقیق را دیر می دهند؛ خیلی خوب، این را می شود جبران کرد؛ می شود دنبال کرد. کسانی تلاش و توطئه می کنند تا اصلاً در کلاسهای درس و کارگاه های تحقیق را ببندند و دانشجو را به علم و فراگیری بی رغبت کنند. با این توطئه باید مبارزه کرد. این مبارزه، هم به عهده ی دولت و مسؤولان است، هم به عهده ی شما تشکل هاست، هم به عهده ی عناصر صاحب نفوذ و صاحب اقتدار است. پروردگارا! دلهای ما را در این ماه رمضان با خودت آشنا تر و نزدیکتر بفرما. پروردگارا! نورانیتی که بر دل جوانان افاضه کردی و جوان را آمیخته ی با شفافیت و معنویت کردی، همیشه برای جوانان عزیز کشور اسلامی ما حفظ کن. پروردگارا! دعاهای جوانهای ما را مستجاب کن؛ خواسته های آنها را برآورده کن. پروردگارا! پیوند بین جوانهای دانشجوی خوب ما و جوانهای دیگر کشورها را - که صحبت یکی از دوستان بود و من در قالب دعا می خواهم این را تأیید کنم - روزبه روز بیشتر کن.

والسلام علیکم ورحمةالله